

## دکتر جرج پیتون، ترجمه کتاب مقدس، جلسه ۱ مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب مقدس، بخش ۱

جورج پیتون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جورج پیتون از مجموعه مقالات ترجمه کتاب مقدس هستم. این جلسه شماره یک، مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب مقدس، بخش ۱ است.

سلام، من جورج پیتون هستم. من اینجا در دانشگاه بین‌المللی دالاس مدرس هستم. من و همسرم بیش از ۴۰ سال است که با مترجمان کتاب مقدس و یکلیف کار می‌کنیم. اجازه دهید کمی در مورد چگونگی ورودم به ترجمه کتاب مقدس برایتان بگویم.

من دانشجوی دانشگاه بیولا بودم و با خودم فکر می‌کردم، خدایا، با زندگی‌ام چه کنم؟ با موهبت‌هایی که به من داده‌ای چه کنم؟ به مأموریت‌های مذهبی علاقه داشتم، به خدمت تمام‌وقت علاقه داشتم، و فکر کردم چه کاری می‌توانم انجام دهم تا با موهبت‌هایی که به من داده‌ای به تو خدمت کنم؟ سپس رشته تحصیلی‌ام را به خدمات بین فرهنگی تغییر دادم و متوجه شدم که واقعاً به آن حوزه تعلق دارم زیرا این رشته هم کار در خارج از کشور، هم کار بین فرهنگی و هم خدمت در کلیسا را هماهنگ می‌کرد. و بعد فکر کردم، خب، کدام یک از خدمات بین فرهنگی برای من مناسب‌تر است؟ خدا از راه‌های مختلفی مرا به سمت ترجمه کتاب مقدس هدایت کرد. من به ترجمه کتاب مقدس علاقه زیادی داشتم و واقعاً مشتاق بودم که پس از اتمام مدرکم در بیولا، مترجم کتاب مقدس شوم.

در طول مسیر، با یک دختر بامزه به نام وندی آشنا شدم، و او پرسید، رشته تحصیلی‌ات چیست؟ آنجا چه کار می‌کنی؟ و من گفتم دارم برای مترجمی کتاب مقدس آماده می‌شوم. و او گفت، من هم. گفتم، ببخشید، چی؟ دوباره بیا؟ دخترهای زیادی این را نمی‌گویند.

و بنابراین، او به من گفت که چگونه خداوند او را از طریق خانواده‌اش هدایت کرده است، در خانواده‌ای بزرگ شده که از مأموریت‌ها و مبلغان مذهبی حمایت می‌کردند. او در کودکی با تعدادی از مبلغان مذهبی و یکلیف آشنا شد. وقتی ده ساله بود، به مادرش گفت: «من می‌خواهم مانند آن افراد مترجم کتاب مقدس شوم.»

ده سال بعد، ما در بیولا همدیگر را ملاقات کردیم و خداوند ما را با آن آرزوی مشترک برای خدمت در وزارتخانه، آن آرزوی مشترک برای خدمت در خارج از کشور و آن آرزوی مشترک برای ترجمه کتاب مقدس گرد هم آورد. و از آنجا بود که کارمان را شروع کردیم. سپس به خارج از کشور رفتیم و چند سالی در کنیا به یکی از زبان‌های محلی کار کردیم و ترجمه کتاب مقدس را به آن زبان انجام دادیم.

از آنجا، ما آن پروژه را تکمیل نکردیم زیرا به مشاوره روی آوردیم و من مشاور ترجمه برای افراد دیگری شدم که ترجمه کتاب مقدس انجام می‌دادند. سپس، ما به تانزانیا منتقل شدیم تا مشاوره ترجمه بیشتری انجام دهیم. در آن زمان، کار آن پروژه را به یکی از همکارانم سپردم.

و بنابراین، ما تمام این سال‌ها درگیر ترجمه کتاب مقدس بوده‌ایم. بخشی از کاری که من به عنوان مشاور انجام دادم، آموزش افراد دیگر بود. بنابراین، ما کارگاه‌های آموزشی برای کنیایی‌ها و تانزانایی‌ها برگزار می‌کردیم.

برگزار می‌کردیم. من همچنین در کارگاه‌های آموزشی برای مشاوران SAL ما کارگاه‌های آموزشی برای همکاران ترجمه شرکت داشتم. و بنابراین ما در سال ۲۰۱۰ به خانه برگشتیم و خدا ما را هدایت کرد تا در سال ۲۰۱۰ در خانه بمانیم.

سپس در سال ۲۰۱۰ در برنامه آموزشی ورک کلیم در دانشگاه بیولا شروع به تدریس کردم. و بنابراین، من زبان‌شناسی تدریس می‌کردم. من ترجمه کتاب مقدس را تدریس می‌کردم و نسل بعدی مترجمان کتاب مقدس را آماده می‌کردم تا بروند و همان کاری را انجام دهند که ما در تمام آن سال‌ها انجام داده بودیم.

من حدود ۱۰ سال آنجا تدریس کردم. درست زمانی که کووید شیوع پیدا کرد، آن برنامه رو به پایان بود. بنابراین من به دانشگاه بین‌المللی دالاس در دالاس، تگزاس منتقل شدم.

موسسه تابستانی، SIL و این مرکز اصلی زبان‌شناسی ماست. مرکز اصلی آموزش ما برای ویکلیف، برای زبان‌شناسی و همچنین برای سایر سازمان‌ها است. آنها افراد خود را برای آموزش ترجمه کتاب مقدس به اینجا می‌فرستند.

و بنابراین، من از سال ۲۰۲۰ اینجا هستم. من اینجا دوره‌های ترجمه کتاب مقدس تدریس می‌کنم. در طول این مسیر، مدرک دکترای وزارت را در رشته ترجمه کتاب مقدس از مدرسه علمیه گوردون کانول گرفتم.

بعدها، مدرک دکترای زبان‌های باستانی را از دانشگاه استلنبوش گرفتم. همه آنها مدارک توسعه حرفه‌ای بودند، بنابراین می‌توانستم مهارت‌های ترجمه، تدریس و مشاوره خود را بهبود ببخشم. بنابراین، من آن پیشینه را دارم.

و بنابراین، آنچه در این مجموعه می‌شنوید، نتیجه‌ی تمام چیزهایی است که ما در تمام این سال‌ها تجربه کرده‌ایم. نکته‌ی بعدی که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که این برنامه در مورد چیست. و بنابراین این مجموعه که ما انجام می‌دهیم، در مورد ترجمه‌ی کتاب مقدس است.

این ترجمه است، اما به طور خاص ترجمه کتاب مقدس. و بنابراین، اولین صحبتی که خواهیم داشت این است که ترجمه کتاب مقدس چیست؟ ترجمه را باید با چه چیزی شروع کرد؟ و اصول اولیه فرآیند ترجمه. دوم از همه، قرار است در مورد زبان صحبت کنیم.

ما قرار است در مورد ارتباط و معنا صحبت کنیم و اینکه چگونه می‌توان معنا را در یک زبان از یک زبان به زبان دیگر منتقل کرد. و این فرآیند ترجمه است. نکته دیگر اینکه ترجمه، ارتباط است.

ترجمه زیرمجموعه‌ای از ارتباطات انسانی است. نوع خاصی از ارتباطات انسانی است. بنابراین، ما قصد داریم در مورد ترجمه به عنوان ارتباط صحبت کنیم.

اما ما این کار را بر اساس درک چگونگی ارتباط مردم انجام می‌دهیم. ما این کار را بر اساس درک فرآیند تلاش برای برقراری ارتباط به یک زبان با متنی که از زبان دیگری آمده است، انجام می‌دهیم. ما کمی در مورد تاریخ ترجمه، تاریخ ترجمه کتاب مقدس، رویکردهای ترجمه و برخی از نظریه‌های مطرح شده در آن صحبت خواهیم کرد.

ما قرار است در مورد چالش‌های انتقال صحبت کنیم. چرا ترجمه یک متن از یک زبان به زبان دیگر دشوار است؟ برخی از این چالش‌ها، چالش‌های زبانی هستند که در آنها باید بگویید زبان ما نمی‌تواند آن را به این

شکل بیان کند. تعدادی از چالش‌ها از متن کتاب مقدس ناشی می‌شوند که ترجمه آن‌ها به زبان‌های دیگر دشوار است.

و ما به آنها خواهیم پرداخت. دوم از همه، تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد. و این تفاوت‌های فرهنگی باعث می‌شود که متن شما به این زبان دوم، قابل فهم نباشد، زیرا آنها پیشینه فرهنگی، درک فرهنگی و جهان‌بینی فرهنگی متن اصلی را با این افرادی که در سال ۲۰۲۴ در جایی از جهان زندگی می‌کنند و بیش از ۲۰۰۰ سال از فرهنگ کتاب مقدس، دوران کتاب مقدس و آن زبان‌ها دور شده‌اند، ندارند.

و بنابراین، آن دو حوزه، چالش‌های زبانی و چالش‌های فرهنگی، مواردی هستند که ما روی آنها تمرکز خواهیم کرد. سپس به چگونگی غلبه بر این چالش‌ها خواهیم پرداخت. بسیار خوب، اول از همه، می‌خواهم در مورد اینکه ترجمه چیست و چه شکلی است صحبت کنم. شما نمی‌توانید چیزی را که امروزه تولید می‌شود، حتی یک قوطی سوپ، حتی یک ظرف روغن، یا یک نسخه چاپی از دستورات عمل‌های دستگاه الکترونیکی که برداشته‌اید، بدون اینکه آن را به چند زبان ببینید، بردارید.

ترجمه همه جا هست، و خیلی گسترده‌تر از زمانی است که من در دهه ۱۹۸۰ کار ترجمه را شروع کردم. ما این را نداشتیم.

ما قوطی سوپ که روی آن پنج زبان مختلف نوشته شده باشد یا چیزی شبیه به این نداشتیم. اما حالا همه جا هست. این راهی برای ایجاد ارتباط بین یک فرهنگ و فرهنگ دیگر است، اما راهی برای گسترش و افزایش نفوذ مالی فرد نیز هست.

اما من حتی به والمارت هم رفتم و یک مانیتور در والمارت بود که به مردم در مورد نحوه برخورد با داروخانه دستورات عمل می‌داد. خوب، این یک صفحه نمایش بود که درست کنار داروخانه قرار داشت. حالا متوجه شدم که داشت به دو، سه، چهار زبان مختلف اسکرول می‌کرد و بعد دوباره از بالا شروع می‌شد.

به پایین اسکرول می‌کرد. بنابراین، هر جا که می‌رویم، همه چیز الان به چندین زبان نوشته شده است. و این همان ترجمه است.

پس چگونه ارتباط برقرار می‌کنیم؟ خوب، می‌خواهم از شما بپرسم، خودتان فکر کنید، ترجمه را چگونه تعریف می‌کنید؟ ترجمه چیست؟ بگذارید فقط یک دقیقه در مورد اینکه ترجمه چیست صحبت کنم. بگذارید از این مثال استفاده کنم. ترجمه: اساساً، ما در مورد ترجمه کتبی صحبت می‌کنیم.

ترجمه کتبی، نوشتن متنی به زبان دوم است که از زبان اول آمده است. ترجمه شفاهی نوع دیگری از ترجمه است، بنابراین تفسیر شفاهی.

بنابراین شما یک نفر از زبان الف و یک نفر از زبان ب دارید، و شخصی که در وسط قرار دارد، این چیزی است که نفر اول گفته و آن را به نفر دوم در آنجا می‌گوید. اگر بخواهید، این ترجمه شفاهی است. این ترجمه شفاهی است.

خب، تفاوت بین ترجمه‌ای که نوشته شده و ترجمه‌ای که تفسیری نیست چیست؟ و من در مورد تفسیر برای فهمیدن صحبت نمی‌کنم. من در مورد انتقال پیام صحبت می‌کنم. بنابراین، بدیهی است که در هر دوی آنها، شما معنی را از زبان اول به زبان دوم منتقل می‌کنید.

نکته دیگر این است که هر دوی آنها سعی دارند معنای پیام را از متن اول به زبان دوم منتقل کنند. چه این یک گفته شفاهی باشد و چه یک متن نوشتاری، ما سعی می‌کنیم معنی را به طرف مقابل منتقل کنیم. من در واقع ترجمه شفاهی انجام داده‌ام.

من کار ترجمه شفاهی انجام داده‌ام. من اینجا در آمریکا به عنوان مترجم شفاهی یا کتبی به زبان سواحیلی کار کرده‌ام. و بنابراین من با افرادی کار می‌کنم، گاهی اوقات مطب پزشک بوده‌ام، گاهی اوقات یک وکیل بوده‌ام گاهی اوقات شخص دیگری بوده است که موکلش انگلیسی صحبت می‌کند اما به اندازه کافی خوب نیست که واقعاً بفهمد در مورد چه چیزی در مورد حوزه خاصی که با آن سر و کار داریم صحبت می‌کنند.

بنابراین من آنجا هستم، و در آن زمان من کسی هستم که واسطه بین پزشک و بیمار است. و بنابراین هدف من این است که آنچه پزشک می‌گوید را به فرد سواحیلی زبان و برعکس منتقل کنم. وقتی این کار را می‌کنم، در وسط هستم و با همان ضمیر اول شخصی که گوینده صحبت می‌کند، صحبت می‌کنم.

بنابراین، اگر پزشک بگوید، می‌خواهم بروی عکس برداری با اشعه ایکس انجام دهی، من به زبان سواحیلی می‌گویم، می‌خواهم بروی عکس برداری با اشعه ایکس انجام دهی. و بعد بیمار ممکن است بگوید، کجا بروم؟ و بعد من بگویم، کجا بروم؟ توجه کنید که نگفتم، او کجا می‌رود؟ یا، آیا او می‌تواند به من بگوید کجا باید بروم؟ نه، من آن صدای بینابین هستم. متن نوشته شده همین است.

متن نوشتاری آن صدایی است که معنا و هر آنچه را که در متن اول با آن مرتبط است، به متن دوم منتقل می‌کند. حال، تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد. بدیهی است که یکی نوشتاری است و دیگری گفتاری.

خب، ما این را می‌دانیم. اما چه چیز دیگری؟ خب، ترجمه نوشته می‌شود، و وقتی می‌گوییم نوشته شده، برای مدتی باقی می‌ماند. شما یک متن نوشته شده دارید که آنجاست.

اما وقتی چیزی می‌گویید، درست مثل این سخنرانی که من دارم انجام می‌دهم، این سخنرانی که دارم انجام می‌دهم، اگر ضبط نشده باشد، به محض اینکه آن را بگویم، از بین می‌رود. و دیگر نمی‌توانید آن را برگردانید. داشتن فایل‌های ضبط شده واقعاً، واقعاً مفید است.

حالا، من در زوم، نمایندگانی داشته‌ام، که در آنجا این زن، فردی سواحیلی زبان بود. او اینجا در دالاس تصادف کرد. وکیل مخالفان، شخصی که این وکیل از او دفاع می‌کرد، از زن سواحیلی زبان سوالاتی می‌پرسید.

و وکیلش هم آنجا بود. بنابراین، من واسطه بودم. و این ضبط شد.

و چرا آن ضبط شد؟ چون آن موقع مدرک دادگاه بود. خب، قضیه خیلی جدی بود. بنابراین، باید مطمئن می‌شدم که درست متوجه شده‌ام.

و بخشی از مشکل این بود که این زن می‌گفت، خب، این شخص من را اینطور زد. و بنابراین، در زبان او من را زد. بنابراین، آن آه می‌تواند برای مرد باشد، یا می‌تواند برای یک، *alipiga*، سواحیلی، می‌توان گفت زن باشد.

خب، چی باید بگم؟ نمی‌دونم، چون اون گفت، آلیپیگا. نمی‌دونم مرد بود یا زن، پس حدس می‌زنم. و گفتم اون منو زد.

وکیل مدافع، به لحظه صبر کن. چرا میگی اون؟ اینجا تو یادداشت‌های من نوشته که به زن بوده. حالا داری داستانت رو عوض می‌کنی؟ و من دارم میگم، اوه نه، من فقط به اشتباه کردم.

خب، یکی از نکات ترجمه این است که می‌توانید بعداً برگردید و آن را اصلاح کنید. وقتی چنین اشتباهی می‌کنم چه کار کنم؟ خب، فوراً گفتم، به طور غیررسمی، باید چیزی به شما بگویم. و گفتم زبان این شکلی است.

فکر کردم مرد است، اما نبود. بنابراین، از این به بعد، می‌گویم او (زن) است. اما زبان سواحیلی مبهم است، و من نمی‌دانستم.

خب، این یکی از کارهایی بود که باید انجام می‌دادم. خب، تفسیر، مگر اینکه ثبت شود، از بین می‌رود. و وقتی آن را گفتم، دیگر نمی‌توانی برگردی و درستش کنی.

خب، من در مطب دکتر هستم. نمی‌توانم برگردم مگر اینکه دکتر بگوید، سلام، می‌توانی بیشتر توضیح بدهی؟ واقعاً مطمئن نیستم که منظور من را فهمیده باشد. بنابراین، این واقعیت که آن حرف‌ها آنجاست، آن حرف‌ها باقی می‌مانند، به این معنی است که می‌توانید بعداً برگردید و آن را ویرایش و اصلاح کنید.

همچنین می‌توانید عجله نکنید. می‌توانید هر چند بار که خواستید به عقب برگردید و آن را اصلاح و درست کنید، تا جایی که می‌توانید، سپس مطمئن شوید که هر آنچه را که می‌خواهید بگویید، بیان می‌کند. می‌توانید آن را به شخص دیگری بدهید.

آنها می‌توانند آن را برای شما بخوانند. می‌توانید از یک ویراستار حرفه‌ای بخواهید که آن را برایتان ویرایش کند. اما شما این امتیاز را در ترجمه کتبی دارید و در ترجمه شفاهی ندارید.

و نکته‌ی دیگر این است که وقتی در چنین موقعیتی هستید، باید همین الان فکر کنید. و از بعضی جهات، باید همزمان به دو زبان فکر کنید، که کار سختی است. به همین دلیل است که من ترجمه‌ی شفاهی اصلی را انجام نمی‌دهم، چون خیلی سریع پیش می‌رود و مغز من نمی‌تواند به آن سرعت کار کند، مخصوصاً هر چه سنم بالاتر می‌رود.

بنابراین، من هنوز هم ترجمه شفاهی انجام می‌دهم. هنوز هم ترجمه سواحیلی به انگلیسی و ترجمه کتبی انگلیسی به سواحیلی انجام می‌دهم. و بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

اما منظور ما از ترجمه، جنبه نوشتاری ترجمه است. بسیار خب. خب، ما می‌خواهیم در مورد چستی ترجمه صحبت کنیم، اما بعد به طور خاص به سراغ چستی ترجمه کتاب مقدس و تفاوت آن با ترجمه معمولی می‌رویم.

بسیار خب. وقتی در مورد ترجمه صحبت می‌کنید، می‌توانیم بگویم که یک محصول است. در اینجا ترجمه‌ای آمده است X از کتاب مقدس به زبان.

بنابراین، می‌توانید در مورد خود این چیز به عنوان یک ترجمه صحبت کنید. و ما در مورد این موضوع در فرآیند خود صحبت خواهیم کرد. دوم اینکه، ترجمه یک فرآیند است.

فرآیند تبدیل این متن نوشتاری به زبان الف، در مورد ما، کتاب مقدس، عهد عتیق یا عبری یا آرامی خواهد بود، عهد جدید یونانی است. بنابراین، تبدیل آن از آن زبان‌ها به زبانی امروزی در جایی از جهان. معمولاً این زبان‌ها، زبان‌های اصلی مانند فرانسوی و آلمانی و اسپانیایی و هر زبان دیگری نیستند.

معمولاً، آنها زبان‌های اقلیت در سراسر جهان یا زبان‌هایی هستند که کتاب مقدس در آنها وجود نداشته است. فرهنگ‌هایی در آسیای مرکزی وجود دارند که کشورهای مسیحی و گروه‌های مسیحی نیستند. آنها حضور مسیحی ندارند و کتاب مقدس ندارند و تعداد آنها به میلیون‌ها نفر می‌رسد.

بنابراین، نمی‌توانید فکر کنید، اوه، یک گروه بدون کتاب مقدس احتمالاً چند صد نفر یا شاید چند هزار نفر است. نه، برخی از این زبان‌ها در واقع بسیار بزرگ هستند. و بنابراین، ما قرار است در مورد این فرآیند انتقال متون مقدس از طریق آن موانع زبانی صحبت کنیم.

اینجا در دانشگاه بین‌المللی دالاس، ترجمه یک موضوع درسی است. بنابراین، ما دانشجویانی داریم که می‌گویند من در رشته مطالعات ترجمه هستم. من در رشته زبان‌شناسی هستم.

من در رشته انسان‌شناسی تحصیل می‌کنم. و بنابراین، این یک رشته تحصیلی است. آیا ترجمه یک علم است؟ بنابراین، شما با کسی صحبت می‌کنید که در رشته زبان‌شناسی آموزش دیده است.

زبان‌شناسی خیلی علمی است. چپ‌مغز است. تحلیلی است.

این به زبان از منظر تلاش برای تجزیه تمام بخش‌های کوچک آن، تلاش برای درک جزئیات یک زبان و سپس حرکت به سمت ترجمه نگاه می‌کند. چرا این کار را می‌کنیم؟ خب، زبانی که من در کنیا با آن کار کردم، الفبا نداشت. آموزش من در مورد نحوه شنیدن صداها، نحوه نوشتن آنها، نحوه تشخیص همه آن صداها و نحوه ساخت الفبا بود.

خب، من قبل از اینکه به خارج از کشور برویم، زبان‌شناسی خوانده بودم. عالیه. خب، حالا الفبا را دارید.

چه چیز دیگری باید بدانید؟ شما باید در مورد دستور زبان آن زبان بدانید. حتی اگر از قبل الفبایی وجود داشته باشد، باز هم باید دستور زبان آن زبان را بدانید. باید بتوانید بفهمید که جملات و عبارات چگونه کنار هم قرار می‌گیرند.

بدیهی است که در زبان اسپانیایی، اگر بگویید کازابلانکا، کازابلانکا یعنی خانه سفید. اما ما در انگلیسی نمی‌گوییم خانه سفید. می‌گوییم خانه سفید.

و خب، می‌دانید، اوه، در زبان اسپانیایی، ترتیب صفت و اسم را برعکس می‌کنند. دانستن اینکه چگونه دستور زبان یک زبان را تجزیه کنیم، بخشی از آموزش ما در دالاس اینترنشنال است تا بتوانیم با زبان‌هایی کار کنیم که یا دستور زبان ندارند، یا حتی زبان نوشتاری ندارند، و کسی باید آن را تولید کند تا بتواند ترجمه خوبی ارائه دهد. بنابراین، تا حدی بسیار تحلیلی است.

خب، بعضی‌ها می‌گویند، خب، ترجمه علم نیست. ترجمه هنر است. خب، حق با کیست؟ ترجمه علم است یا هنر؟ و جواب مثبت است.

این هم یک هنر است و هم یک علم. هر زمان که شما هر سند نوشتاری را خلق می‌کنید، عنصری از خلاقیت در آن وجود دارد. هر زمان، باشه، وقتی دارید متنی را می‌نویسید به آن فکر نمی‌کنید. فقط می‌نویسید.

اما وقتی چیزی می‌نویسید، زمانی طول می‌کشد تا در مورد آنچه می‌خواهید بگویید فکر کنید، کلماتی را که می‌خواهید استفاده کنید انتخاب کنید و روشی را که می‌خواهید آن را بیان کنید انتخاب کنید. و بنابراین، آن عمل گفتاری یک عمل خلاقانه است، چیزی که ما انسان‌ها با آن متولد می‌شویم. در ما ذاتی است.

آن ماهیت ذاتی زبان و ارتباط، عملی خلاقانه است. و بنابراین، هم یک علم است و هم ترجمه، یک هنر. و بنابراین، وقتی ما کتاب مقدس را به زبان دیگری تولید می‌کنیم، به خلاقیت گویندگان بومی آن زبان تکیه می‌کنیم تا سپس آن را با آنچه در مورد خود زبان می‌دانیم، تطبیق دهیم تا بتوانیم متنی، یک کتاب مقدس تولید کنیم که مؤثر باشد و به خوبی ارتباط برقرار کند.

خب، و ترجمه کتاب مقدس؟ ترجمه کتاب مقدس یک خدمت است. و من به دانشجویانم می‌گویم، شما دوره‌های زبان‌شناسی می‌گذارید. مطالعه زبان‌شناسی بخشی از خدمت شماست. منظورم از این چیست؟ وقتی آنها به فرهنگ دیگری می‌روند، همانطور که من با همسر و فرزندانم انجام دادم، و این زبان را تجزیه و تحلیل می‌کنند، این مقدمه‌ای برای انجام ترجمه است.

و آن ترجمه هدف نهایی است، و این یک خدمت است. حال، این افراد فرهنگ لغت نداشتند. آنها دستور زبان را نمی‌دانستند.

آنها حتی الفبا هم نداشتند. بنابراین، فراهم کردن این امکان برای آنها، حتی با وجود اینکه برخی از آنها غیرمسیحی هستند، خدمتی به جامعه است. اکنون آنها راهی برای نوشتن زبان خود دارند.

آنها اکنون راهی برای برقراری ارتباط از طریق اشکال نوشتاری با مردم فرهنگ خود دارند. و بنابراین، این یک خدمت به فرهنگ در آن سوی زبان‌شناسی، درست در سمت سکولار آن است. اما همچنین، در ترجمه کتاب مقدس، ما آنجا هستیم تا به کلیسای محلی خدمت کنیم، با ارائه کتاب مقدس برای آنها به آنها خدمت کنیم تا آنها بتوانند کلام خدا را به زبانی که می‌فهمند، منتقل کنند تا مردم بتوانند در مسیح رشد کنند تا بتوانند بشارت دهند، تا بتوانند از کتاب مقدس تعلیم دهند.

بنابراین، کاری که ما در ترجمه کتاب مقدس انجام می‌دهیم، خدمتی به کلیسا است. به یک معنا، ترجمه کتاب مقدس نیز نوعی خدمت است. ما به خدا خدمت می‌کنیم.

ما خدمت می‌کنیم و هر عمل خدمتی می‌تواند یک عمل عبادت محسوب شود. بنابراین، خدمت، در ترجمه کتاب مقدس، زمانی است که ما به خدا نزدیک می‌شویم؛ این خدمت ما به خداست.

این روش ما برای پرستش خدا با انجام این خدمت است. در نظر گرفتن این جنبه از خدمت برای من و همسرم وقتی اوضاع در جایی که بودیم سخت شد، واقعاً مهم بود. ما در یک منطقه بیابانی در شرق کنیا زندگی می‌کردیم.

ما در واقع روی یک گروه از افراد ناشناخته کار می‌کردیم. و حتی همکارانمان می‌گفتند، چرا با این گروه از افراد ناشناخته هستید؟ آیا آنها اصلاً کتاب مقدسی را که شما سعی در تهیه آن دارید، می‌خواهند؟ ما برای خدا آنجا بودیم. ما برای این خدمت آنجا بودیم.

ما آنجا بودیم تا به این مردم به شیوه‌هایی خدمت کنیم که بعداً از آن بهره‌مند شوند. و ما آن چشم‌انداز را، برای آنچه خدا می‌خواست انجام دهیم، در خط مقدم تفکر خود نگه داشتیم تا وقتی زمان‌ها سخت می‌شد، به آن تکیه کنیم، به حاکمیت خدا که او ما را به آن خدمت فراخوانده بود. و بنابراین، این نه تنها با آنچه

هستیم، نه تنها با نقش ما به عنوان مبلغان مذهبی، بلکه با خدمتگزاران خداوند و تمایل به انجام آنچه او ما را به آن فراخوانده است، بسیار مرتبط است.

بنابراین، از این نظر، ترجمه کتاب مقدس یک تلاش معنوی است. و من می‌توانم اینجا بنشینم و داستان‌هایی در مورد اینکه چگونه خدا وارد فرآیند ترجمه ما شد و ما دقیقاً عبارت مناسب را در لحظه مناسب داشتیم، برای شما تعریف کنم. بعداً به برخی از این داستان‌ها خواهیم پرداخت.

اما این یک تلاش معنوی است و هر تلاش معنوی به منابع معنوی نیاز دارد. و خداوند منبع این منابع معنوی است. روح القدس آنجاست تا به طرق مختلف در تفسیر و درک کتاب مقدس، در درک زبانی که سعی در ترجمه به آن داریم و همچنین در چگونگی پر کردن شکاف بین دو زبان، به ما کمک کند.

بنابراین، این یک تلاش معنوی است. بنابراین، من دوست دارم این تلاش معنوی را در خدمتی که خدا انجام می‌دهد با صحبت در مورد اینکه ماموریت خدا چیست، توضیح دهم. ماموریت خدا چیست؟ او در جهان چه می‌کند؟ و خدا این بینش را در مورد آنچه در جهان انجام می‌دهد، دارد. و این بینش از زمانی که آدم و حوا را آفرید، آغاز شد و این بینش زمانی ادامه یافت که آدم و حوا و فرزندانشان در باغ عدن علیه او شورش کردند.

و او از آن زمان تاکنون برای احیای آن رابطه تلاش کرده است. و بنابراین، چشم‌انداز بزرگ او احیای این رابطه بین بشریت و خودش است. اما از برخی جهات، ما به عنوان انسان، واقعاً درک این چشم‌انداز بزرگ که خدا دارد، دشوار است.

و بنابراین، خداوند بخشی از آن رؤیا را به ما می‌دهد که می‌توانیم به آن بچسبیم، با آن ارتباط برقرار کنیم و سپس در خدمت خود آن را زندگی کنیم. و بنابراین، رؤیای ما رساندن انجیل، رساندن کتاب مقدس به این زبان در کنیا بود. اینگونه شروع شد.

و بنابراین، این دیدگاه ما در چارچوب دیدگاه بزرگ خدا بود. بنابراین، ما همیشه شاهد این تعامل بین هر دو هستیم. و دیدگاه او چیست؟ دیدگاه او این است که مردم را در آشتی با خودش ببیند، و این ماموریت خداست.

بنابراین، بینش خدا در ماموریت او ریشه دوانده است. این چیزی است که او می‌بیند. این چیزی است که او آرزو می‌کند.

سپس او با تبلیغ و اعلام انجیل خود به همه ملت‌ها، به این امر جامه عمل می‌پوشاند. اما باز هم، این یک امر عظیم است. خدا با مردم از آدم و حوا تا ابراهیم، از بنی‌اسرائیل تا مردم امروز، شروع به کار کرد.

این برای ما خیلی بزرگ است که بتوانیم آن را تصور کنیم. اما ماموریت من چیست؟ کاری که خدا مرا به انجام آن فراخوانده چیست، کاری که از دیدگاه من سرچشمه می‌گیرد؟ بنابراین، آن کار، ماموریت ماست. بنابراین، هر فرد بخشی از آن ماموریت خداست که با او مرتبط است، و خدا او را به انجام کاری که در آن استعداد دارد، کاری که می‌خواهد او در آن مشارکت داشته باشد، فرا می‌خواند.

و بنابراین، ما درگیر رؤیای خدا هستیم، و درگیر ماموریت خدا. و هدف نهایی، پادشاهی خداست. ما آنجا هستیم تا بخشی از گسترش پادشاهی خدا در سراسر جهان باشیم.

و باز هم، این یک هدف بزرگ و والا است که خداوند برای گسترش پادشاهی خدا دارد. اما ما چه می‌توانیم بکنیم؟ ما می‌توانیم به گسترش پادشاهی خدا در جایی که هستیم کمک کنیم. ما می‌توانیم به گسترش پادشاهی خدا در میان این گروه قومی در کنیا کمک کنیم.

و اکنون، ما اینجا هستیم تا دانش‌آموزانی را آموزش دهیم که به خارج از کشور بروند و سپس پادشاهی خدا را گسترش دهند، جایی که خدا آنها را به کشورهای مختلف در سراسر جهان می‌فرستد. افسسیان ۲:۱۰ می‌گوید: «ما صنعت او هستیم، در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کاری را که او از پیش آماده کرده است انجام دهیم.» تا در آنها گام برداریم.» این به چه معناست؟ اینکه خدا هر یک از ما را با استعدادها و ویژگی‌های ویژه آفریده است تا در پادشاهی خدا، در کار پادشاهی، مورد استفاده قرار گیریم.

بنابراین، او ما را حتی قبل از تولد به این شکل آماده کرد. ما با این موهبت‌ها متولد شدیم. اتفاقاً موهبت من در زبان‌ها نهفته است.

من عاشق زبان‌ها هستم. اما او به هر یک از ما استعدادهایی بخشیده است که ما از آنها در خدمت به دیگران استفاده خواهیم کرد. و این همان کاری است که او ما را برای انجام آن فراخوانده است.

و بنابراین، ترجمه کتاب مقدس آن مأموریت، آن رؤیا، آن کار پادشاهی است که خدا ما را برای انجام آن فراخوانده است. خدا ما را به عنوان مترجمان کتاب مقدس نیز فرا می‌خواند تا بتوانیم به کلیسا خدمت کنیم و مردم بتوانند مسیح را بشناسند و مردم بتوانند در رابطه خود با خدا رشد کنند. متشکرم.

من دکتر جورج پیتون در مجموعه مقالاتش در مورد ترجمه کتاب مقدس هستم. این جلسه شماره یک، مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب مقدس، بخش ۱ است.